

هدایتی از گد مدنی افغانستان

(دفع مفسد بر جلب منافع مقدم می باشد.)

تأمین مصالح مادی و معنوی، فردی و اجتماعی در محتوای گد مدنی برای بهره گیری در نظام حقوقی موجود است از آن مستفید شوید.

تبیین دفع مفسد و کسب منافع و ضرورت منافع برای جلب و ایجاد آن در هدایت ماده متذکره اساس قرار می گیرد و هر دو عنصر زمانی مطرح میشود که موجودیت «ضرر» محقق و این پدیده مضره در تصادم به منافع فرد و جامعه قرار گیرد و نظم و نظام فردی و اجتماعی را اخلال نماید. در بحث کنونی ضرریکه زاده مفسد خوانده میشود در حقیقت بر مبنای قاعده اساسی «لاضرر ولا ضرار» و در جزئیات منشأ نظام حقوقی اسلام شامل است و دفع مفسد هم از همین قواعد سرچشمه میگیرد که «درء المفسد اولی من جلب المصلح» می باشد که دفع مفسد را در اولویت قرار می دهد. و هر دو اصول متذکره در جمله مأخذ و منابع قانون مدنی میهن قرار دارد.

زمانیکه مفسد و منافع در چار چوب نظام حقوقی و ساحة عمل در تعارض قرار گیرند «دفع مفسد» اولاً تر در جهت حفظ منافع و فواید اجتماعی و انفرادی ارجحیت پیدا می کند و این تقدم منع ضرر و (مفسد) می تواند صرف تابع اصل «دفع و ضرر» باشد و شامل نهاد اصل ضرر رسان و مؤلد (چون فابریکه و یا نهاد دیگر) آن نگردد در صورتیکه رفع و دفع ضرر به همین عمل کافی شمرده شده و اصل هدف که منع و دفع مفسد است بدست آید بر کار اضافی ضرورتی احساس نمیشود.

بر همین بنیاد: زمانیکه یک شرکت تولیدی، نهاد مدد رسان و یا یک دستگاه تلویزیون و امثالهم مبتنی بر منافع جامعه به فعالیت آغاز و بصورت عینی و محسوس مصروف خدمت اند ولی با همین پیمانانه ضرر و مفسدیکه از ایشان مشهود و محسوس می گردد به منافع جامعه سازگار نمی باشد و این پدیده های تولیدی در حقیقت تعارض نفع و ضرر را ایجاد می کنند.

پس: زمانیکه تقابل نفع و ضرر مطرح میگردد دو اصل متضاد در ذهن ما خطور می کند:

۱ - ضرریکه در سرشت به مفهوم واقعی خود تخریب مادی و معنوی ایجاد کند مشروعیت قانونی ندارد و اینگونه ضرر اگر کم است و یا زیاد بزرگ است و یا کوچک به هیچوجه قابل قبول و پذیرش حقوق و قانون نیست و ضرر در ذات خود ایجاد گر نقصان و ویرانی است که منطبق سازش با آن هم آهنگی ندارد.

۲ - بر خلاف: منافع و مفاد مادی و معنوی در حقیقت حاصلیست که در ضدیت با ضرر طور مشروع و قانونی کسب و بدست می آید و از جمله امتیاز حقوقی فرد و جامعه محسوب میشود. ولی جان مطلب اینجاست که در ارقام ذکر شده رقم اولی که ایجاد گر ضرر مادی و معنوی است مسئولیت حقوقی و کیفری بار می آورد و بطور عام مسئولیت های مدنی مطابق اوامر قانونی موجب جبران بوده و مسئولیت کیفری مستوجب مجازات است.

و روی هم رفته در موضوع تحت بررسی فعلی منشأ و منبع ضرر و ایجاد مسئولیت همان فساد ذکر شده مطرح است که فساد مؤجد و مرتکب آن میگردد و سد و مانع در مقابل منافع می شود.

و قانون هم در بدایت امر «دفع مفسد» را هدایت می دهد.

آیا می شود اصل متذکره «گد مدنی» افغانستان را جهان شمول تلقی کرد؟

اکنون بر مبنای آنچه تذکر داده شد با یک دید وسیع هدایت اصل متذکره «گد مدنی میهن» را از ساحة تحت نفوذ و اوامر آن فراتر قابل رعایت دانسته بگونه تصویری (نه الزامی) در سطح جهان قابل تطبیق و اجرا بدانیم در آن صورت:

به درک و برداشت من : میشود از پدیده «گرمایش کره زمین» در سطح جهان در حالیکه (جهات مدنی و حقوقی آن مطمح نظر باشد) مثالی بزینم که در عین زمان موضوع داغ و حاد روز بوده و نگرانی های جامعه جهانی نیز در زمینه قابل احساس است:

مستنداتی را که میتوان مبتنی بر عقیده دانشمندان برای بشریت قابل تشویش و ناراحتی دانست دما و گرمایش زمین است که طور طبیعی بوجود نیامده بلکه اثرات اعمال افراد بشر در آن دخیل خوانده می شود و همین کرده و عمل را در ایجاد و پیدایش این پدیده که خالی از ضرر نخواهد بود اثر گذار می دانند که ممکن بسا از موارد خالی از فساد و مضر جامعه و افراد نباشد که سبب تشویش و قابل اندیشه است.

پس اگر واقعیت همین است که ایجاد چنین اضرائی ناشی از فسادی بوده باشد که منشأ ضرر مؤلده تثبیت شود در آن صورت مدلل به آن برای حفظ منافع افراد و جامعه دفع فساد گردد.

و بر باور من: « دفع» به معنی نابودی نه؛ بلکه بمعنی دفاع و جلوگیری از ضرریکه ایجاد می شود درین بحث خاص و یا امثال آن قرار می گیرد.

گد مدنی یا نظام حقوقی کشور ما امر می کند.

(دفع مفاسد بر جلب منافع مقدم است) نص قانون.

یاد آوری: عرایض من صرف از متن و نص قانون است، تطبیق و عدم تطبیق آن بحث جداگانه می باشد. با عرض حرمت. سخی صمیم.